بدون اجرای کامل سامانه‌ی هشدار، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که از خطر خبر نداشته است

گفت‌وگو با مهندس کامران نوروزی، مدیر پروژه‌ی سامانه‌ی هشدار زودهنگام سیلاب‌های کوهستانی

مهندس نوروزی، شما سال‌ها روی سامانه‌ی هشدار سیلاب کار کرده‌اید. چرا فکر می‌کنید هنوز هم بسیاری از مردم این خطر را جدی نمی‌گیرند؟

به نظر من مشکل اصلی نبود اطلاعات نیست. ما می‌دانیم کجا و کی سیل می‌آید. مشکل این است که بین دانستن و عمل کردن فاصله‌ای وجود دارد که ما هنوز آن را پر نکرده‌ایم. وقتی به مردم می‌گوییم خطر دارد، بسیاری فکر می‌کنند ما اغراق می‌کنیم، چون تجربه‌ی زندگی‌شان به آن‌ها گفته که هشدارها اغلب بی‌خطر تمام می‌شوند. این تجربه‌ی درست است، اما برای روزی که نباید تمام شود، خطرناک است.

شما از «فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن» صحبت می‌کنید. این فاصله را چگونه می‌بینید؟

فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن، فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن، فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن است. ببخشید که تکرار کردم، اما دقیقاً همین‌جا گیر کرده‌ایم. مردم می‌دانند که باید از مسیل دور شوند، اما وقتی باران شروع می‌شود، ماشین را همان‌جا پارک می‌کنند چون فکر می‌کنند فقط چند دقیقه طول می‌کشد. می‌دانند که نباید از پل رد شوند، اما وقتی آب هنوز از پل پایین نیامده، رانندگی می‌کنند چون عجله دارند. این رفتارها از بی‌توجهی نیست، از عادت است. و عادت را با ترس نمی‌شود عوض کرد، فقط با تمرین.

پس راه‌حل شما تمرین بیشتر است؟

بخشی از راه‌حل بله، اما نه تمرین به معنای نظامی. ما در روستاهای بالادست حوضه‌ی کرانه‌سیاه با مدارس کار کرده‌ایم و دیده‌ایم که وقتی بچه‌ها بدانند چه کار کنند، خانواده‌هایشان هم یاد می‌گیرند. اما مشکل اصلی تجهیزات نیست. ما هشدارهای پیامکی، آژیر و حتی اپلیکیشن داریم. مشکل این است که هیچ‌کس مسئولیت تصمیم‌گیری در لحظه‌ی بحران را به‌طور روشن بر عهده ندارد. وقتی همه مسئول باشند، عملاً هیچ‌کس مسئول نیست.

این ابهام در مدیریت بحران چه پیامدهایی دارد؟

پیامدهای آن را در سیل فروردین ۱۴۰۱ در دشت‌آبگینه دیدیم. هشدار به‌موقع صادر شده بود، اما بخشدار منتظر تأیید استاندار ماند، استاندار منتظر گزارش شرکت آب منطقه‌ای بود، و شرکت آب منطقه‌ای فکر می‌کرد هشدار را شهرداری باید اعلام کند. در این فاصله‌ی ۴۰ دقیقه‌ای، ۱۲ خودرو در مسیل گیر افتادند و سه نفر جان خود را از دست دادند. هیچ‌کدام از این مسئولان قصد بی‌توجهی نداشتند، اما نتیجه همان شد.

شما پیشنهاد داده‌اید که یک «مدیر بحران» برای هر حوضه تعیین شود. این نقش دقیقاً چه وظایفی دارد؟

مدیر بحران نباید همه‌کاره باشد. وظیفه‌ی او فقط این است که در لحظه‌ی بحران تصمیم بگیرد و اجرا کند. او باید اختیار داشته باشد که بدون منتظر ماندن برای جلسه، دستور تخلیه بدهد یا جاده را ببندد. در مقابل، باید پاسخگوی تصمیم‌هایش هم باشد. ما در آزمایش‌هایی که در حوضه‌ی کرانه‌سیاه انجام دادیم، دیدیم که وقتی یک نفر مسئولیت روشن دارد، زمان تصمیم‌گیری به‌طور میانگین ۴۰ درصد کوتاه‌تر می‌شود.

با این حال، بسیاری از مدیران محلی می‌گویند که اختیارات کافی ندارند و نمی‌خواهند مسئولیت بپذیرند.

این نگرانی قابل‌فهم است، اما راه‌حل آن این است که اختیارات و مسئولیت‌ها از پیش مشخص شوند، نه اینکه در میانه‌ی بحران بین افراد دست‌به‌دست شوند. ما پیشنهاد کرده‌ایم که برای هر مدیر بحران، یک جانشین و یک ناظر تعیین شود. ناظر نه برای دخالت، بلکه برای ثبت تصمیم‌ها و جلوگیری از فراموشی بعدی. این ساختار ساده است و در تمرین‌ها جواب داده است.

در پایان، اگر بخواهید یک پیام کلی به مردم منطقه بدهید، چه می‌گویید؟

پیام من این است که هشدار را جدی بگیرید، حتی اگر بارها دیده‌اید که بی‌خطر تمام شده است. هر بار که از یک هشدار بی‌توجه رد می‌شوید، شانس خود را برای روز بعد بیشتر می‌کنید. ما تلاش می‌کنیم سامانه‌ها را دقیق‌تر و زودهنگام‌تر کنیم، اما هیچ سامانه‌ای بدون همراهی مردم کار نمی‌کند. سیل دشمن مشترک ماست، نه همسایه‌ها یا مسئولان. اگر همه با هم عمل کنیم، می‌توانیم از بسیاری از خسارت‌ها جلوگیری کنیم.

۲۱ هزار و ۴۰۰ دانش‌آموز در ۱۹ مدرسه‌ی روستایی دهستان سرخه‌بید از امروز به مدرسه‌ی شبانه‌روزی منتقل می‌شوند

تصمیم به دلیل نبود معلم و هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد گرفته شده است؛ برخی خانواده‌ها نگران‌اند

گزارش از: مهدی رستگار

از امروز، ۲۱ هزار و ۴۰۰ دانش‌آموز ۱۹ مدرسه‌ی روستایی دهستان سرخه‌بید در شهرستان کوه‌سفید، صبح‌ها به مدرسه نمی‌روند. به جای آن، به مدرسه‌ی شبانه‌روزی شهید رجایی در شهر کوه‌سفید منتقل می‌شوند. این تصمیم را اداره‌کل آموزش‌وپرورش استان کوه‌سفید روز شنبه اعلام کرد. دلیل اصلی آن هم روشن است: در بسیاری از این روستاها دیگر معلم کافی برای تدریس وجود ندارد و هزینه‌ی رفت‌وآمد روزانه برای خانواده‌ها سنگین شده است.

در ۱۹ روستا، ۱۴ مدرسه فقط یک یا دو معلم دارند. در ۶ مدرسه، دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس درس می‌خوانند. در ۱۱ مدرسه، ساختمان از نظر ایمنی مشکل دارد. در ۹ مدرسه، سرویس بهداشتی سالم وجود ندارد. در ۷ مدرسه، آب آشامیدنی سالم نیست. در ۵ مدرسه، سیستم گرمایشی خراب است. در ۴ مدرسه، سقف یا دیوار ترک برداشته است. در ۳ مدرسه، برق پایدار وجود ندارد. در ۲ مدرسه، دانش‌آموزان مجبورند بیش از ۴۰ کیلومتر تا مدرسه‌ی نزدیک بروند. در ۱ مدرسه، هیچ دانش‌آموزی باقی نمانده است.

مهندس کامران نوروزی، مدیر پروژه‌ی سامانه‌ی هشدار زودهنگام سیلاب‌های کوهستانی، می‌گوید مشکل اصلی فقط هشدار نیست. او می‌گوید: «ما می‌دانیم کجا و کی سیل می‌آید. مشکل این است که بین دانستن و عمل کردن فاصله‌ای وجود دارد که ما هنوز آن را پر نکرده‌ایم.» به گفته‌ی او، وقتی به مردم گفته می‌شود خطر دارد، بسیاری فکر می‌کنند اغراق می‌شود، چون تجربه‌ی زندگی‌شان به آن‌ها گفته که هشدارها اغلب بی‌خطر تمام می‌شوند.

به گفته‌ی مسئولان استان، تصمیم تازه بر اساس ۳ معیار گرفته شده است: نبود معلم، هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد و خطر تردد در مسیرهای کوهستانی. در ۱۴ مدرسه‌ای که فقط یک یا دو معلم دارند، تعطیلی کلاس‌ها به معنای عملی نبودن آموزش است. در ۶ مدرسه‌ای که دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس درس می‌خوانند، معلم مجبور است همزمان چند برنامه‌ی درسی را پیش ببرد. در ۱۱ مدرسه‌ای که ساختمان از نظر ایمنی مشکل دارد، ادامه‌ی تحصیل در همان بناها پذیرفته نیست.

در ۹ مدرسه‌ای که سرویس بهداشتی سالم ندارد، نبود آب آشامیدنی سالم و در ۷ مدرسه‌ای که سیستم گرمایشی خراب است، سرمای زمستان عملاً امکان حضور کودکان را از بین می‌برد. در ۴ مدرسه‌ای که سقف یا دیوار ترک برداشته است، خطر ریزش وجود دارد. در ۳ مدرسه‌ای که برق پایدار ندارند، حتی روشن نگه داشتن وسایل ساده‌ی گرمایشی هم دشوار است. در ۲ مدرسه‌ای که بیش از ۴۰ کیلومتر تا نزدیک‌ترین مدرسه فاصله دارند، هزینه‌ی رفت‌وآمد برای بسیاری از خانواده‌ها غیرقابل تحمل شده است.

در ۱ مدرسه‌ای که هیچ دانش‌آموزی باقی نمانده است، تصمیم ساده‌تر بوده است. مدرسه‌ی روستای گردنه‌ی بلوط در ۱۴ کیلومتری کوه‌سفید، از مهر ۱۴۰۰ فقط ۲ دانش‌آموز داشت و در ۱۴۰۱ هیچ‌کس برای آن ثبت‌نام نکرد. ساختمان این مدرسه هنوز سالم است و برخی اهالی پیشنهاد داده‌اند از آن به‌عنوان کتابخانه‌ی روستا استفاده شود.

در مقابل، ۱۲ خانواده از ۷ روستا با تصمیم مخالف‌اند. آن‌ها می‌گویند فرزندان ۶ تا ۱۰ سال برای اولین بار است که باید شب‌ها دور از خانه بخوابند و نگران‌اند که این جدایی زودهنگام بر روحیه‌ی کودکان اثر بگذارد. مریم قاسم‌پور، مادر دو دختر ۷ و ۹ ساله از روستای چشمه‌سار، گفت: «دخترم هرگز شب را بدون ما سر نکرده است. نمی‌دانم چطور می‌خواهد غذا بخورد یا وقتی کابوس می‌بیند کسی را دارد یا نه.»

مسئولان آموزش‌وپرورش می‌گویند این نگرانی‌ها جدی گرفته شده و قرار است مشاوران روان‌شناس هفته‌ای ۲ بار به مدرسه‌ی شبانه‌روزی سفر کنند. همچنین ۱۲ دستگاه اتوبوس برای رفت‌وآمد دانش‌آموزان در تعطیلات آخر هفته در نظر گرفته شده است. با این حال، بسیاری از خانواده‌ها می‌گویند این راه‌حل‌ها برای فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری کافی نیست.

به گفته‌ی مدیرکل آموزش‌وپرورش استان کوه‌سفید، اگر این طرح در ۱۹ مدرسه‌ی نخست موفق باشد، تا پایان سال ۱۴۰۳ به ۳۱ مدرسه‌ی دیگر در ۲ شهرستان همسایه نیز گسترش پیدا خواهد کرد. او گفت: «ما نمی‌خواهیم کسی را مجبور کنیم، اما می‌خواهیم هیچ کودکی به‌خاطر فاصله از درس عقب نماند.» با این حال، هنوز مشخص نیست که چه تعداد از خانواده‌ها حاضرند فرزندان خود را برای چند سال به مدرسه‌ی شبانه‌روزی بفرستند.

۱۴ دستگاه اتوبوس برای ۱۹ مدرسه‌ی دورافتاده

در ۱۴ مدرسه‌ای که فقط یک یا دو معلم دارند، تعطیلی کلاس‌ها به معنای عملی نبودن آموزش است. در ۶ مدرسه‌ای که دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس درس می‌خوانند، معلم مجبور است همزمان چند برنامه‌ی درسی را پیش ببرد. در ۱۱ مدرسه‌ای که ساختمان از نظر ایمنی مشکل دارد، ادامه‌ی تحصیل در همان بناها پذیرفته نیست.

در ۹ مدرسه‌ای که سرویس بهداشتی سالم ندارد، نبود آب آشامیدنی سالم و در ۷ مدرسه‌ای که سیستم گرمایشی خراب است، سرمای زمستان عملاً امکان حضور کودکان را از بین می‌برد. در ۴ مدرسه‌ای که سقف یا دیوار ترک برداشته است، خطر ریزش وجود دارد. در ۳ مدرسه‌ای که برق پایدار ندارند، حتی روشن نگه داشتن وسایل ساده‌ی گرمایشی هم دشوار است. در ۲ مدرسه‌ای که بیش از ۴۰ کیلومتر تا نزدیک‌ترین مدرسه فاصله دارند، هزینه‌ی رفت‌وآمد برای بسیاری از خانواده‌ها غیرقابل تحمل شده است.

در ۱ مدرسه‌ای که هیچ دانش‌آموزی باقی نمانده است، تصمیم ساده‌تر بوده است. مدرسه‌ی روستای گردنه‌ی بلوط در ۱۴ کیلومتری کوه‌سفید، از مهر ۱۴۰۰ فقط ۲ دانش‌آموز داشت و در ۱۴۰۱ هیچ‌کس برای آن ثبت‌نام نکرد. ساختمان این مدرسه هنوز سالم است و برخی اهالی پیشنهاد داده‌اند از آن به‌عنوان کتابخانه‌ی روستا استفاده شود.

در مقابل، ۱۲ خانواده از ۷ روستا با تصمیم مخالف‌اند. آن‌ها می‌گویند فرزندان ۶ تا ۱۰ سال برای اولین بار است که باید شب‌ها دور از خانه بخوابند و نگران‌اند که این جدایی زودهنگام بر روحیه‌ی کودکان اثر بگذارد. مریم قاسم‌پور، مادر دو دختر ۷ و ۹ ساله از روستای چشمه‌سار، گفت: «دخترم هرگز شب را بدون ما سر نکرده است. نمی‌دانم چطور می‌خواهد غذا بخورد یا وقتی کابوس می‌بیند کسی را دارد یا نه.»

مسئولان آموزش‌وپرورش می‌گویند این نگرانی‌ها جدی گرفته شده و قرار است مشاوران روان‌شناس هفته‌ای ۲ بار به مدرسه‌ی شبانه‌روزی سفر کنند. همچنین ۱۲ دستگاه اتوبوس برای رفت‌وآمد دانش‌آموزان در تعطیلات آخر هفته در نظر گرفته شده است. با این حال، بسیاری از خانواده‌ها می‌گویند این راه‌حل‌ها برای فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری کافی نیست.

به گفته‌ی مدیرکل آموزش‌وپرورش استان کوه‌سفید، اگر این طرح در ۱۹ مدرسه‌ی نخست موفق باشد، تا پایان سال ۱۴۰۳ به ۳۱ مدرسه‌ی دیگر در ۲ شهرستان همسایه نیز گسترش پیدا خواهد کرد. او گفت: «ما نمی‌خواهیم کسی را مجبور کنیم، اما می‌خواهیم هیچ کودکی به‌خاطر فاصله از درس عقب نماند.» با این حال، هنوز مشخص نیست که چه تعداد از خانواده‌ها حاضرند فرزندان خود را برای چند سال به مدرسه‌ی شبانه‌روزی بفرستند.

۱۴ دستگاه اتوبوس برای ۱۹ مدرسه‌ی دورافتاده

هشدار نبودن معلم و هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد ۲۱ هزار دانش‌آموز را به شبانه‌روزی می‌فرستد

(صفحه‌ی اول و ادامه در صفحه‌ی ۵)

هشدار نبودن معلم و هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد ۲۱ هزار دانش‌آموز را به شبانه‌روزی می‌فرستد

هشدار نبودن معلم و هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد ۲۱ هزار دانش‌آموز را به شبانه‌روزی می‌فرستد

(صفحه‌ی اول و ادامه در صفحه‌ی ۵)

مدیرکل آموزش‌وپرورش استان کوه‌سفید، اگر این طرح در ۱۹ مدرسه‌ی نخست موفق باشد، تا پایان سال ۱۴۰۳ به ۳۱ مدرسه‌ی دیگر در ۲ شهرستان همسایه نیز گسترش پیدا خواهد کرد. او گفت: «ما نمی‌خواهیم کسی را مجبور کنیم، اما می‌خواهیم هیچ کودکی به‌خاطر فاصله از درس عقب نماند.» با این حال، هنوز مشخص نیست که چه تعداد از خانواده‌ها حاضرند فرزندان خود را برای چند سال به مدرسه‌ی شبانه‌روزی بفرستند.

مهندس نوروزی، شما سال‌ها روی سامانه‌ی هشدار سیلاب کار کرده‌اید. چرا فکر می‌کنید هنوز هم بسیاری از مردم این خطر را جدی نمی‌گیرند؟

به نظر من مشکل اصلی نبود اطلاعات نیست. ما می‌دانیم کجا و کی سیل می‌آید. مشکل این است که بین دانستن و عمل کردن فاصله‌ای وجود دارد که ما هنوز آن را پر نکرده‌ایم. وقتی به مردم می‌گوییم خطر دارد، بسیاری فکر می‌کنند ما اغراق می‌کنیم، چون تجربه‌ی زندگی‌شان به آن‌ها گفته که هشدارها اغلب بی‌خطر تمام می‌شوند. این تجربه‌ی درست است، اما برای روزی که نباید تمام شود، خطرناک است.

شما از «فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن» صحبت می‌کنید. این فاصله را چگونه می‌بینید؟

فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن، فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن، فاصله‌ی میان دانستن و عمل کردن است. ببخشید که تکرار کردم، اما دقیقاً همین‌جا گیر کرده‌ایم. مردم می‌دانند که باید از مسیل دور شوند، اما وقتی باران شروع می‌شود، ماشین را همان‌جا پارک می‌کنند چون فکر می‌کنند فقط چند دقیقه طول می‌کشد. می‌دانند که نباید از پل رد شوند، اما وقتی آب هنوز از پل پایین نیامده، رانندگی می‌کنند چون عجله دارند. این رفتارها از بی‌توجهی نیست، از عادت است. و عادت را با ترس نمی‌شود عوض کرد، فقط با تمرین.

پس راه‌حل شما تمرین بیشتر است؟

بخشی از راه‌حل بله، اما نه تمرین به معنای نظامی. ما در روستاهای بالادست حوضه‌ی کرانه‌سیاه با مدارس کار کرده‌ایم و دیده‌ایم که وقتی بچه‌ها بدانند چه کار کنند، خانواده‌هایشان هم یاد می‌گیرند. اما مشکل اصلی تجهیزات نیست. ما هشدارهای پیامکی، آژیر و حتی اپلیکیشن داریم. مشکل این است که هیچ‌کس مسئولیت تصمیم‌گیری در لحظه‌ی بحران را به‌طور روشن بر عهده ندارد. وقتی همه مسئول باشند، عملاً هیچ‌کس مسئول نیست.

این ابهام در مدیریت بحران چه پیامدهایی دارد؟

پیامدهای آن را در سیل فروردین ۱۴۰۱ در دشت‌آبگینه دیدیم. هشدار به‌موقع صادر شده بود، اما بخشدار منتظر تأیید استاندار ماند، استاندار منتظر گزارش شرکت آب منطقه‌ای بود، و شرکت آب منطقه‌ای فکر می‌کرد هشدار را شهرداری باید اعلام کند. در این فاصله‌ی ۴۰ دقیقه‌ای، ۱۲ خودرو در مسیل گیر افتادند و سه نفر جان خود را از دست دادند. هیچ‌کدام از این مسئولان قصد بی‌توجهی نداشتند، اما نتیجه همان شد.

شما پیشنهاد داده‌اید که یک «مدیر بحران» برای هر حوضه تعیین شود. این نقش دقیقاً چه وظایفی دارد؟

مدیر بحران نباید همه‌کاره باشد. وظیفه‌ی او فقط این است که در لحظه‌ی بحران تصمیم بگیرد و اجرا کند. او باید اختیار داشته باشد که بدون منتظر ماندن برای جلسه، دستور تخلیه بدهد یا جاده را ببندد. در مقابل، باید پاسخگوی تصمیم‌هایش هم باشد. ما در آزمایش‌هایی که در حوضه‌ی کرانه‌سیاه انجام دادیم، دیدیم که وقتی یک نفر مسئولیت روشن دارد، زمان تصمیم‌گیری به‌طور میانگین ۴۰ درصد کوتاه‌تر می‌شود.

با این حال، بسیاری از مدیران محلی می‌گویند که اختیارات کافی ندارند و نمی‌خواهند مسئولیت بپذیرند.

این نگرانی قابل‌فهم است، اما راه‌حل آن این است که اختیارات و مسئولیت‌ها از پیش مشخص شوند، نه اینکه در میانه‌ی بحران بین افراد دست‌به‌دست شوند. ما پیشنهاد کرده‌ایم که برای هر مدیر بحران، یک جانشین و یک ناظر تعیین شود. ناظر نه برای دخالت، بلکه برای ثبت تصمیم‌ها و جلوگیری از فراموشی بعدی. این ساختار ساده است و در تمرین‌ها جواب داده است.

در پایان، اگر بخواهید یک پیام کلی به مردم منطقه بدهید، چه می‌گویید؟

پیام من این است که هشدار را جدی بگیرید، حتی اگر بارها دیده‌اید که بی‌خطر تمام شده است. هر بار که از یک هشدار بی‌توجه رد می‌شوید، شانس خود را برای روز بعد بیشتر می‌کنید. ما تلاش می‌کنیم سامانه‌ها را دقیق‌تر و زودهنگام‌تر کنیم، اما هیچ سامانه‌ای بدون همراهی مردم کار نمی‌کند. سیل دشمن مشترک ماست، نه همسایه‌ها یا مسئولان. اگر همه با هم عمل کنیم، می‌توانیم از بسیاری از خسارت‌ها جلوگیری کنیم.

۲۱ هزار و ۴۰۰ دانش‌آموز در ۱۹ مدرسه‌ی روستایی دهستان سرخه‌بید از امروز به شبانه‌روزی می‌روند

تصمیم به دلیل نبود معلم و هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد گرفته شده است؛ برخی خانواده‌ها نگران‌اند

گزارش از: مهدی رستگار

از امروز، ۲۱ هزار و ۴۰۰ دانش‌آموز ۱۹ مدرسه‌ی روستایی دهستان سرخه‌بید در شهرستان کوه‌سفید، صبح‌ها به مدرسه نمی‌روند. به جای آن، به مدرسه‌ی شبانه‌روزی شهید رجایی در شهر کوه‌سفید منتقل می‌شوند. این تصمیم را اداره‌کل آموزش‌وپرورش استان کوه‌سفید روز شنبه اعلام کرد. دلیل اصلی آن هم روشن است: در بسیاری از این روستاها دیگر معلم کافی برای تدریس وجود ندارد و هزینه‌ی رفت‌وآمد روزانه برای خانواده‌ها سنگین شده است.

در ۱۹ روستا، ۱۴ مدرسه فقط یک یا دو معلم دارند. در ۶ مدرسه، دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس درس می‌خوانند. در ۱۱ مدرسه، ساختمان از نظر ایمنی مشکل دارد. در ۹ مدرسه، سرویس بهداشتی سالم وجود ندارد. در ۷ مدرسه، آب آشامیدنی سالم نیست. در ۵ مدرسه، سیستم گرمایشی خراب است. در ۴ مدرسه، سقف یا دیوار ترک برداشته است. در ۳ مدرسه، برق پایدار وجود ندارد. در ۲ مدرسه، دانش‌آموزان مجبورند بیش از ۴۰ کیلومتر تا مدرسه‌ی نزدیک بروند. در ۱ مدرسه، هیچ دانش‌آموزی باقی نمانده است.

مهندس کامران نوروزی، مدیر پروژه‌ی سامانه‌ی هشدار زودهنگام سیلاب‌های کوهستانی، می‌گوید مشکل اصلی فقط هشدار نیست. او می‌گوید: «ما می‌دانیم کجا و کی سیل می‌آید. مشکل این است که بین دانستن و عمل کردن فاصله‌ای وجود دارد که ما هنوز آن را پر نکرده‌ایم.» به گفته‌ی او، وقتی به مردم گفته می‌شود خطر دارد، بسیاری فکر می‌کنند اغراق می‌شود، چون تجربه‌ی زندگی‌شان به آن‌ها گفته که هشدارها اغلب بی‌خطر تمام می‌شوند.

به گفته‌ی مسئولان استان، تصمیم تازه بر اساس ۳ معیار گرفته شده است: نبود معلم، هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد و خطر تردد در مسیرهای کوهستانی. در ۱۴ مدرسه‌ای که فقط یک یا دو معلم دارند، تعطیلی کلاس‌ها به معنای عملی نبودن آموزش است. در ۶ مدرسه‌ای که دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک کلاس درس می‌خوانند، معلم مجبور است همزمان چند برنامه‌ی درسی را پیش ببرد. در ۱۱ مدرسه‌ای که ساختمان از نظر ایمنی مشکل دارد، ادامه‌ی تحصیل در همان بناها پذیرفته نیست.

در ۹ مدرسه‌ای که سرویس بهداشتی سالم ندارد، نبود آب آشامیدنی سالم و در ۷ مدرسه‌ای که سیستم گرمایشی خراب است، سرمای زمستان عملاً امکان حضور کودکان را از بین می‌برد. در ۴ مدرسه‌ای که سقف یا دیوار ترک برداشته است، خطر ریزش وجود دارد. در ۳ مدرسه‌ای که برق پایدار ندارند، حتی روشن نگه داشتن وسایل ساده‌ی گرمایشی هم دشوار است. در ۲ مدرسه‌ای که بیش از ۴۰ کیلومتر تا نزدیک‌ترین مدرسه فاصله دارند، هزینه‌ی رفت‌وآمد برای بسیاری از خانواده‌ها غیرقابل تحمل شده است.

در ۱ مدرسه‌ای که هیچ دانش‌آموزی باقی نمانده است، تصمیم ساده‌تر بوده است. مدرسه‌ی روستای گردنه‌ی بلوط در ۱۴ کیلومتری کوه‌سفید، از مهر ۱۴۰۰ فقط ۲ دانش‌آموز داشت و در ۱۴۰۱ هیچ‌کس برای آن ثبت‌نام نکرد. ساختمان این مدرسه هنوز سالم است و برخی اهالی پیشنهاد داده‌اند از آن به‌عنوان کتابخانه‌ی روستا استفاده شود.

در مقابل، ۱۲ خانواده از ۷ روستا با تصمیم مخالف‌اند. آن‌ها می‌گویند فرزندان ۶ تا ۱۰ سال برای اولین بار است که باید شب‌ها دور از خانه بخوابند و نگران‌اند که این جدایی زودهنگام بر روحیه‌ی کودکان اثر بگذارد. مریم قاسم‌پور، مادر دو دختر ۷ و ۹ ساله از روستای چشمه‌سار، گفت: «دخترم هرگز شب را بدون ما سر نکرده است. نمی‌دانم چطور می‌خواهد غذا بخورد یا وقتی کابوس می‌بیند کسی را دارد یا نه.»

مسئولان آموزش‌وپرورش می‌گویند این نگرانی‌ها جدی گرفته شده و قرار است مشاوران روان‌شناس هفته‌ای ۲ بار به مدرسه‌ی شبانه‌روزی سفر کنند. همچنین ۱۲ دستگاه اتوبوس برای رفت‌وآمد دانش‌آموزان در تعطیلات آخر هفته در نظر گرفته شده است. با این حال، بسیاری از خانواده‌ها می‌گویند این راه‌حل‌ها برای فاصله‌ی ۴۰ کیلومتری کافی نیست.

به گفته‌ی مدیرکل آموزش‌وپرورش استان کوه‌سفید، اگر این طرح در ۱۹ مدرسه‌ی نخست موفق باشد، تا پایان سال ۱۴۰۳ به ۳۱ مدرسه‌ی دیگر در ۲ شهرستان همسایه نیز گسترش پیدا خواهد کرد. او گفت: «ما نمی‌خواهیم کسی را مجبور کنیم، اما می‌خواهیم هیچ کودکی به‌خاطر فاصله از درس عقب نماند.» با این حال، هنوز مشخص نیست که چه تعداد از خانواده‌ها حاضرند فرزندان خود را برای چند سال به مدرسه‌ی شبانه‌روزی بفرستند.

۱۴ دستگاه اتوبوس برای ۱۹ مدرسه‌ی دورافتاده

هشدار نبودن معلم و هزینه‌ی بالای رفت‌وآمد ۲۱ هزار دانش‌آموز را به شبانه‌روزی می‌فرستد

(صفحه‌ی اول و ادامه در صفحه‌ی ۵)